رویاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

تاپایان جهان

■ **تعدادی از فیلم‌های اکران شده در این هفته که امکان معرفی آنها وجود نداشت را فهرست وار نام می‌بریم: «هزینه بالای زندگی»، «افسانه واقعی»، «برو دنبالش!» و مستندهای «فیلمبردار: زندگی و آثار جک کاردیف»، «چگونه تا ابد زندگی کنیم»، «دیوانه عشق» و «خواهران تاپ».**

■■■

انفجار بزرگ

The Big Bang

پیشنهاد کاری برای کارآگاه خصوصی، ند کروز (آنتونیوباندراس) در ابتدا پرسود و کم دردسر به نظر می‌رسد: او باید دختری که با ۳۰ میلیون دلار پول ناپدید شده است، را پیدا کند اما سرنخ‌ها پای کروز را به مخوف‌ترین گوشه و کنارهای لس‌آنجلس باز می‌کند، جایی که هرکس با او سر و کار دارد، کشته می‌شود و به بیابان‌های نیومکزیکو که ممکن است پایان جهان در آن رقم بخورد. سم الیوت، توماس کرچمن، ویلیام فیچنر، جیمز وان دربیک، اسنوپ داگ، آتومن ریزر و دلروی لیندا از دیگر بازیگران این فیلم دلهره‌آور جنایی ۱۷ میلیون دلاری به کارگردانی تونی کرانتز و با فیلمنامه اریک یندرسن هستند که با زمان نمایش ۹۶ دقیقه و درجه R روی پرده رفته است.

شهر زندگی و مرگ

City of Life and Death

شهر نانکینگ چین، در سال ۱۹۳۷ و اندکی پیش از آغاز جنگ جهانی دوم مورد هجوم ارتش امپراتوری ژاپن قرار گرفت و در مدت چند هفته، فاجعه قتل عام هزاران شهروند و اسیر جنگی چینی در آن شهر به راه افتاد که با عنوان «کشتار نانکینگ» در تاریخ ثبت شد. این فیلم سیاه و سفید چینی ماجراهای دلخراشی که بر آن شهر گذشت را از طریق بازگوکردن داستان چندین شخصیت چینی، ژاپنی و آلمانی به تصویر کشیده است. «شهر زندگی و مرگ» سومین فیلمی است که لو چوان کارگردانی کرده است. لیو یه، هیدئو ناکاییزومی، وی فان و جان پریسلی از جمله بازیگران این درام تاریخی ۱۳۲ دقیقه‌ای هستند که با بودجه ۱۲ میلیون دلار تهیه شده و صدف طلایی جشنواره سن سباستین و جایزه بهترین فیلم جشنواره اسلو را دریافت کرده است.

مو بلند

Hesher

عنوان فیلم برگرفته از اصطلاحات کوچه و خیابان انگلیسی زبان‌ها و تقریبا معادل همان است که ما به عنوان «هیپی» می‌شناسیم. در این فیلم کمدی، درام به کارگردانی اسپنسر سوسر، پسر سیزده‌ساله‌ای متوجه حضور مرد غریبه مو بلند و عجیب و غریبی در گاراژ خانه‌شان می‌شود که مسیر زندگی او و پدرش را عوض می‌کند. جوزف گوردن لویت، دوین براکو، رین ویلسن، ناتالی پورتمن و پایپر لوری در این فیلم بازی می‌کنند. این فیلم هفت میلیون دلاری مستقل که اولین بار سال گذشته در جشنواره ساندنس به نمایش درآمد، با زمان نمایش ۱۰۰ دقیقه و درجه‌بندی R به صورت محدود اکران گرفته است.

همه چیز رفتنی است

Everything Must Go

دن راش فیلمنامه این کمدی، درام ۹۶ دقیقه‌ای را با اقتباس از یک داستان کوتاه ریموند کارور نوشته و کارگردانی کرده است. در این داستان فروشنده به آخر خط رسیده‌ای که بیکار می‌شود، همسرش او را ترک می‌کند و همه وسایلش را به خیابان می‌ریزد، استراتژی تازه‌ای برای بقا در پیش می‌گیرد و از همسایه‌ای کمک می‌گیرد تا سروسامان تازه‌ای به زندگی خود بدهد. ویل فرل، ربکا هال، مایکل پنیا، کریستوفر جوردن والاس و لورا درن بازیگران این فیلم هستند که در جشنواره‌های تورنتو و لندن نمایش داده شده و اکنون اکران محدود آن با درجه R آغاز شده است.

بازیگری در هالیوود امروز

ناقوس مرگ ستاره‌ها به صدا درآمده است

دیوید گریتن/ ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

آیا ستاره‌های سینما یک گونه در معرض خطر انقراض هستند؟ ماه‌هاست که غرولندهای اضطراب آمیزی در این مورد از گوشه و کنار هالیوود به گوش می‌رسد، اما تا این لحظه هنوز هیچ‌کس این مساله را به صراحت بر زبان نیاورده است. نگاهی به فیلم‌های بزرگ و مهمی که در طول سال گذشته اکران شده‌اند، نشان می‌دهد که نکته گفته شده چندان دور از واقعیت نیست. هر روز از تعداد فیلم‌هایی که برای موفقیت در گیشه به ستاره‌های بزرگ و با اسم و رسم نیاز دارند، کاسته می‌شود. در عوض، این فیلم‌ها بیشتر متکی بر یک استعاره ساده و متقاعد کننده، بازسازی اثری موفقیت‌آمیز از یک رسانه دیگر (مثل «شاهزاده پارسی» یا «تیم الف») یا قرار گرفتن در یک زنجیره پر رونق و پر سود (مانند «مرد آهنی ۲»، «داستان اسباب بازی ۳»، «شرک برای همیشه» و «گرگ و میش: ماه گرفتگی») هستند.

این البته بدان معنی نیست که ستاره‌های سینما در موفقیت فیلم‌هایی که از آنها نام برده شد، نقشی نداشته‌اند. مساله این است که فیلم‌ها بر اساس مفهوم کلی موجود در آنها، به عموم مردم پیش فروش می‌شوند. اگر دست بر قضا در این فیلم‌ها ستاره‌هایی بازی کرده باشند که شهرت آنها در این اواخر از رونق افتاده، مساله مهمی نیست چون آنها دیگر یک عامل مهم به شمار نمی‌آیند.

یک قرن است که هالیوود با اتکا به سیستم ستاره‌سازی رونق خود را حفظ کرده، اما حالا چه اتفاقی افتاده است؟ مسلما برنامه‌های تلویزیونی «نمایش‌های واقعی و زنده» که نسل تازه‌ای از ستاره‌های یک شبه و زودگذر و به آسانی قابل جایگزینی پدید آورده، یک علت است. متوسط سن تماشاگران سینما نیز مدام پایین‌تر می‌رود و بعید است تماشاگران جوان‌تر از ستارگانی استقبال کنند که می‌توانند به جای پدر و مادرشان باشند (مثلا تام کروز ۴۸ ساله یا جولیا رابرتز ۴۳ ساله). اما مهم‌ترین عامل، واقعیتی دیرپاست که زمانی بیل کلینتون در محفلی خصوصی بر زبان آورد: «احمق، مساله فقط و فقط اقتصاد است!»

دستمزد ستاره‌های سینما بسیار بالاست و چهره تغییر یافته نظام مالکیت استودیوهای هالیوودی سبب می‌شود که این دستمزدها به راحتی تامین نشود. استودیوهای امروز صرفا چرخ‌دنده‌هایی در مجموعه غول آسای تولید هستند که توسط افرادی اداره می‌شوند که کمتر علاقه‌ای به فیلم‌ها دارند. حتی اگر فیلم‌ها سودده باشند، میزان سوددهی آنها اندک است. «آواتار» استثنایی بر این قاعده است و نکته جالب اینکه این پرفروش‌ترین فیلم تاریخ تا این زمان، دو بازیگر نقش اول تقریبا ناشناس دارد و تنها نام بزرگ در میان مجموعه بازیگرانش، سیگورنی ویور، نقش مکمل دارد.

دستمزدهای بالای بازیگران اکنون به امری تجملی و مضحک بدل شده است. این روزها بازیگرانی که برای هر فیلم ۱۵ تا ۲۰ میلیون دلار می‌گرفتند اندکی پیشرفت کرده‌اند و شاید بتوانند بخشی از سود را دریافت کنند- اگر اصلا بتوانند چنین قراردادی ببندند. می‌توانیم نگاهی به شش، هفت سال پیش بیندازیم، زمانی که افرادی مانند تام کروز، جولیا رابرتز، نیکول کیدمن، گوینت پالترو و دنزل واشنگتن بازیگران تراز اول نقش اصلی بودند. اکنون نمی‌توان گفت که هیچ‌کدام از آنها بزرگتر از پیش شده‌اند. مثلا چه اتفاقی برای اورلاندو بلوم افتاده است؟ یا ادوارد نورتن؟ کریستن دانست، یادتان می‌آید؟ اوما تورمن چی؟

در همین دو سال گذشته که عمق بحران اقتصادی خود را نشان داد، ناقوس مرگ ستارگان سینما هم به صدا درآمد. وقتی جولیا رابرتز توانست بعد از سال‌ها یک نقش جدی و درخور در فیلم «دورویی» پیدا کند، این فیلم تماشاگر چندانی پیدا نکرد.

ویل فرل و جک بلک، دو بازیگر کمدی که شاید دل‌شان به این خوش بود که خود را ستاره بنامند، با فیلم‌های میان مایه‌ای مثل «سرزمین گمشدگان» و «سال یک» به خود آمدند و فهمیدند که برای گیشه فروش مثل سم هستند.

بازیگری جدی و هوشمند مثل رابرت داونی جونیور، از دیگر افرادی بود که متوجه شد باید در ستاره بودن خود بازنگری کند. عموم مردم از بازی دراماتیک او به عنوان ستاره «تکنواز» استقبال نکردند. اما در سال ۲۰۰۸ سیل تماشاگران به سالن‌ها هجوم بردند تا او را در نقش ابرقهرمان -ابرپولدار فیلم «مرد آهنی» تماشا کنند و بعد، حدس می‌زنید که چه اتفاقی افتاد؟ داونی با «مرد آهنی ۲» به روی پرده بازگشت. او در کریسمس سال ۲۰۱۰ بار دیگر در یک فیلم عظیم پرخرج ظاهر شد- «شرلوک هلمز»، یک اقتباس اکشن پرماجرا که می‌توان چند دنباله هم برای آن ساخت. داونی در روند تازه‌ای که بازیگران موفق اما جدی سینما با آن روبه‌رو شدند، نقش پیشگام را بر عهده گرفت -موقتا شأن هنری و قابلیت بالقوه مورد تحسین منتقدان قرار گرفتن را کنار گذاشت و فیلم‌هایی بزرگ، پر سر و صدا و کاریکاتوری را روی دایره گذاشت که تماشاگران جوان‌تر را هدف گرفته بودند و قابلیت دنباله‌سازی را داشتند.

لیام نیسون و رالف فاینز دو بازیگر دیگری هستند که می‌دانند باد از کدام سو می‌وزد. آنها که زمانی در «فهرست شیندلر» در کنار هم بازی کرده بودند، در سال ۲۰۱۰ بار دیگر در «نبرد تایتان‌ها» همکار یکدیگر شدند. نیسون در پایان آن سال در بازسازی «تیم الف» ردای جورج پپارد در نقش هانیبال اسمیت را بر تن کرد. هرچه باشد دیگر استودیوها فیلمی مثل «فهرست شیندلر» نمی‌سازند. جیک جیلنهال بازیگر «کوهستان بروکبک»، بازیگر دیگری با سوابقی درخشان بود که تصمیم گرفت بخت خود را در جای دیگری بیازماید و در فیلمی مثل «شاهزاده پارسی» بازی کند؛ فانتزی ماجراجویانه‌ای که از بازی‌های ویدئویی اقتباس شده است. در تابستان ۲۰۱۰ دو ستاره بزرگ دیگر محبوبیت خود را محک زدند.

تام کروز جاذبه اصلی فیلم «سلحشور و روز» بود و در این اکشن ماجراجویانه با کمرون دیاز همراه شد، فیلمی پر از تیراندازی و صحنه‌های تعقیب خودرو برای بازیگری که با در نظر گرفتن استقبال مردم از فیلم‌های «مأموریت غیرممکن» خود، مطمئن بود که بار دیگر برای تماشای او در یک اثر اکشن به سالن‌ها می‌شتابند. «سلحشور و روز» حد و اندازه ستاره بودن او را تعیین کرد. آیا روزهای ستاره بودن راسل کرو، نام بزرگ دیگری که «رابین هود» ریدلی اسکات شد، به شماره نیفتاده است؟ او در سن ۴۵ سالگی بازیگری گران قیمت است. یک سال پیش از «رابین هود»، او در نقش روزنامه‌نگاری نترس را در تریلر «شرایط بازی» بر عهده گرفت و جایگزین بردپیت شد که اندکی پیش از فیلمبرداری از پروژه بیرون رفت. کرو در آخرین روز سر رسید و فیلم را نجات داد، اما دستمزدش آنقدر بالا بود که به «شرایط بازی» امکان سودده بودن را نداد. با ادامه یافتن بحران اقتصادی حتی تکرار چنین موردی هم روز به روز ناممکن‌تر می‌شود. وقتی ستاره‌ها در سنین ۴۰ سالگی چنین وضع مضطرب کننده‌ای داشته باشند، ببینید مایکل داگلاس ۶۵ ساله چه حال و روزی دارد. دنباله «وال استریت» او که عنوان فرعی «پول هرگز نمی‌خوابد» را نیز به دنبال داشت، از اکران تابستان خارج و نمایش آن به اواخر سپتامبر گذشته موکول شد. شاید تصور کنید که ستاره‌ها اگر دایم جلوی چشم عموم مردم باشند، زوال نمی‌پذیرند. اما مورد آنجلینا جولی را در نظر بگیرید که هرگز از سرتیتر رسانه‌ها فاصله نگرفته است. او در دو فیلم «لاراکرافت» بسیار پرطرفدار بود اما وقتی سعی کرد نقش‌های دراماتیک مثل «یک قلب قدرتمند» و «کودک ربوده شده» را بیازماید، هیچ‌کس به او اعتنایی نکرد.

بدین ترتیب، هر ستاره‌ای سعی کرده است موقعیت خود را حفظ کند اما کل نظام ستاره‌ای که ما می‌شناسیم در حال افول است. جورج کلونی و مت دیمون بازی هوشمندانه‌ای در پیش گرفته‌اند. آنها خود را به فیلم‌های دنباله‌داری مثل «اوشن» و «بورن» بستند و به این ترتیب امکان آن را یافتند که فیلم‌هایی کوچک و شخصی به اختیار خود بسازند. در میان زنان ستاره سینما، مریل استریپ با جذابیتی که برای تماشاگران زن در سنین بالاتر دارد (و با نقش آفرینی در «ماما میا!» آن را تقویت کرده است) همچنان پرطرفدار است. جنیفر آنیستون نیز با وجود همه کوشش‌های منتقدان، چنین وضعی دارد. شاید او هرگز نتوانسته باشد به آن میزان از جذابیت و زمانبندی کمیک که در سریال «دوستان» داشت، برسد، اما طرفداران پر و پا قرص او اصلا اهمیتی به این مساله نمی‌دهند. با این حال، افراد موفقی که نامشان ذکر شد، در اقلیت قرار دارند. ستارگان سینما سقوط می‌کنند چون دیر یا زود با این واقعیت ساده روبه‌رو می‌شوند که سینما دیگر نیازی به آنها ندارد. این نکته بسیار معناداری است که «ستارگان» فیلم «آواتار»، سام ورتینگتن و زویی سولدانا، در زمان اوج موفقیت این فیلم توانستند در تمام طول خیابان آکسفورد قدم بزنند بدون آنکه کسی جلوی آنها را بگیرد یا اصلا آنها را بشناسد.

منبع: دیلی تلگراف

تازه‌چه‌خبرد کترجون؟

کارگردانی مشترک

تام تیکور

■ «اطلس ابرها» نام پروژه‌ای است که اندی و لری واچوفسکی، خالقان «ماتریکس» و تام تیکور، سازنده «عطر: داستان یک قاتل» قرار است به‌طور مشترک کارگردانی کنند. به گزارش هالیوود ریپورتر، تازه‌ترین اخبار در مورد این پروژه حاکی از پیوستن هالی بری، بازیگر «زن گربه‌ای»، هوگو ویوینگ، بازیگر نقش مامور اسمیت در مجموعه فیلم‌های «ماتریکس» و بن ویشاو، بازیگر «عطر: داستان یک قاتل» و «توفان» به این پروژه است. حضور تام هنکس در فیلم «اطلس ابرها» از حدود یک ماه پیش محرز شده بود. «اطلس ابرها» اقتباسی از رمانی به همین نام نوشته دیوید میچل است که در سال ۲۰۰۴ منتشر شده و شش داستان مختلف را در زمان گذشته، حال و آینده در بر می‌گیرد که با یکدیگر تلاقی می‌کنند. فیلمبرداری این محصول مشترک دریم ورکز و شرکت برادران وارنر در ماه سپتامبر (شهریور) شروع می‌شود و قرار است در اردیبهشت سال آینده اکران شود.

بازی گرسنگی

■ یکی از خبرسازترین پروژه‌های هالیوود در این روزها «بازی گرسنگی» نام دارد؛ فیلمی براساس رمان علمی -تخیلی پرفروشی به همین نام به قلم سوزان کالینز که هر روز شایعه‌ای در مورد بازیگران احتمالی آن در رسانه‌ها پراکنده می‌شود. داستان «بازی گرسنگی» در آینده نزدیک می‌گذرد، در آمریکای فروپاشیده در اثر خشکسالی، آتش سوزی، قحطی و جنگ که به سرزمینی موسوم به «پانم» مرکب از دوازده بخش تبدیل شده است. هر ساله در «پانم» مسابقه‌ای تلویزیونی با شرکت جوانانی از هر یک از بخش‌ها برگزار می‌شود که «بازی گرسنگی» نام دارد و به جنگ گلادیاتورهای قحطی زده شبیه است. تاکنون حضور جنیفر لارنس، الیزابت بنکس، استنلی توچی، وس بنتلی، لیام همزوورث، جاش هاچرسن، وودی هارلسن، ژاکلین امرسن و کریس مارک در این فیلم قطعی شده است و چند روز پیش اعلام شد که لیزا فوهرمن، بازیگر نقش دختر کوچولوی «یتیم» نیز به جمع بازیگران می‌پیوندد.

استنلی توچی

گفت‌وگو با نیکلاس کیج در مورد بازی در نقش «راننده جهنمی»

فقط دو بار زندگی می‌کنید

ترجمه: نرجس جوکار

نیکلاس کیج در زمره آن بازیگرانی است که نقش‌های درام و اکشن را به خوبی ایفا می‌کند. او که به خاطر بازی در فیلم «ترک لاس‌وگاس» کاندیدای دریافت جایزه اسکار شد، در فیلم «راننده جهنمی» (خشمگین بران) نقشی متمایز را پذیرفت تا ظرافت‌های کارش را به خوبی به نمایش بگذارد. نیکلاس که کلکسیونی از اتومبیل‌های مختلف دارد، در فیلم «راننده جهنمی» با موهای بلوند، ایفای نقش می‌کند. او باید خشونت را در این فیلم به خوبی در رفتار و گفتارش به نمایش بگذارد. اگرچه بازی خیره‌کننده او در این فیلم تحسین بسیاری از منتقدان سینما را در پی داشته، اما خودش چندان راضی نیست...

■■■

■ **شما گفته‌اید که برای ایفای چنین نقشی احساس راحتی نمی‌کردید. چرا؟**

چون شخصیت من بر پایه خشونت بنا نهاده شده بود و از طرفی باید نقش یک موجود زنده/مرده را ایفا می‌کردم. حتی برای بازیگران حرفه‌ای هم پذیرفتن نقش این نوع پرسناژها کار راحتی نیست. با این حال من نظریه‌ای دارم و می‌گویم اگر نقشی تو را ناراحت یا حتی می‌ترساند نباید از پذیرفتن‌اش طفره بروی چون این موضوع، احتمالا به شما نشان می‌دهد هنوز زنده هستید. البته به هر دلیلی که شده دوست دارم در حرفه‌ام پیشرفت کنم، جنبه‌های جدیدی از نمایش را به اجرا بگذارم و از خودم چیزهای خلاقانه نشان دهم. من خودم را مثل یک دانش‌آموز «هنر هفتم» می‌بینم و هرگز به خودم به چشم یک استاد سینما نگاه نمی‌کنم.

■ **فکر می‌کنید جهنم وجود دارد؟**

اگر قرار باشد به طور عینی صحبت کنیم باید بگویم نمی‌دانم. اما اگر باطنا به این موضوع نگاه کنیم، معتقدم نزاع بین بهشت و جهنم در اعماق تک‌تک ما وجود دارد. نباید فراموش کنیم که همه ما مرتکب اشتباه می‌شویم.

■ **آیا شما هم، مثل نقشی که ایفا کرده‌اید، آدمی کینه‌جو هستید؟**

خشونت، چه خوب و چه بد، گهگاهی مورد نیاز است. به هر حال این خصیصه هم جزیی از اخلاقیات بشر است. همه گاهی، حداقل درونی هم که شده خشن می‌شوند. همه ما وقتی که یکی از عزیزان‌مان را کتک می‌زنند و حداقل از لحاظ روحی آزرده خاطر می‌شود به هم ریخته و عصبانی می‌شویم.

حالا خوشبختانه بسیاری از این عصبانیت‌ها منجر به زد و خورد نمی‌شود! فیلم‌هایی مثل «راننده جهنمی» باعث می‌شود که این نوع خشونت‌ها بدون اینکه اتفاق خاصی بیفتد بروز داده شود.

■ **خشونت بعضی از نقش‌هایتان شما را عذاب نمی‌دهد؟**

من جزو آن دسته از هنرپیشه‌ها نیستم که در «نقش» غرق شوم و شب و روز با آن سر کنم. یعنی حداقل امیدوارم این‌طور باشد (می‌خندد)! یاد گرفته‌ام که هر شب نقش‌هایم را در صحنه فیلمبرداری جا بگذارم و تا فردا که دوباره فیلمبرداری شروع می‌شود از زندگی‌ام نهایت استفاده را ببرم.

■ **به این فکر کرده‌اید که دوست دارید چه نقش‌هایی بازی کنید؟**

من نقش‌های اسطوره‌ای و نمادین را دوست دارم. من با نگاه کردن به فیلم‌های چارلز برانسون و کلینت استیوود بزرگ شده‌ام و ترجیح می‌دهم که نقش قهرمان‌های فراطبیعی را بازی کنم. البته من بازی هنرپیشه‌هایی مثل جک نیکلسن و همفری بوگارت را هم دوست دارم. اینها هنرپیشه‌هایی هستند که از افراط و زیاده‌روی و عمق بخشیدن به نقش‌هایشان هیچ هراسی ندارند. اگرچه عادت کرده‌ایم آنها را بیشتر در فیلم‌های درام ببینیم ولی این جنبه از کار آنها مغایرتی با بازی در فیلم‌های اکشن ندارد.

■ **نقشی هم باقی مانده که شما رویای ایفای آن را داشته باشید؟**

دوست دارم نقش کاپیتان «نمو» در «۲۰ هزار فرسنگ زیر دریا» را بازی کنم ولی نمی‌دانم این آرزوی من، روزی به واقعیت تبدیل می‌شود یا نه. این ایده را همیشه بیان کرده‌ام، البته با صدای بلند هم گفته‌ام تا همه بشنوند ولی نمی‌دانم چرا هیچ‌کس هنوز به سراغم نیامده است (می‌خندد).

■ **شما کلکسیونی از اتومبیل‌های مختلف دارید. در حال حاضر اتومبیل مورد علاقه‌تان چیست؟**

از شورولت دهه هفتادی که در فیلم «راننده جهنمی» بود، خیلی خوشم آمد. من هم به وقتش یکی از آنها داشته‌ام. به غیر از آن در حال حاضر از اتومبیل پیک‌آپم خوشم می‌آید. این ماشین یک موتور دیزلی دارد که با محیط زیست سازگار است.

■ **در برخی از فیلم‌هایتان تصنیف‌هایی را زمزمه کرده یا خوانده‌اید. قصد ندارید یک روز آلبوم بیرون بدهید؟**

هرگز در نقش‌هایی که به نوعی خواننده بوده‌ام صددرصد احساس راحتی نکرده‌ام. از کاری که انجام می‌دهم راضی‌ام و پرواضح است که انتخاب خوبی داشته‌ام. به نظر من هنرپیشه‌ای که می‌خواند هرگز درخشان ظاهر نخواهد شد، البته عکس این قضیه هم صادق است. به هر حال اگر این کار را کنم، خودم را مضحکه دست منتقدان کرده‌ام!

■ **اوقات فراغت‌تان را چطور سپری می‌کنید؟**

در اوقات فراغتم که البته زمانش بسیار هم کم است، در کنار پسر و همسرم هستم. البته از خواندن چیزهای ساده هم لذت می‌برم. من آدم بی‌نهایت خسته‌کننده‌ای هستم.

■ **دنیای شهرت، پس از ۳۰ سال دوران حرفه‌ای را چطور می‌گذرانید؟**

مردم تنها دلیل مشهور بودن من هستند و به شخصه کاملا از این موضوع آگاهم. مردم در تمام این سال‌ها در کنار من بوده‌اند. اگر به اینجا رسیده‌ام به خاطر نقدهای خوب یا تعریف و تمجیدهای رسانه‌ای نبوده بلکه علتش فقط هوادارانم بوده است. به هر حال عکس گرفتن با مردم و امضا دادن به آنها فارغ از شرایط برای من بسیار بسیار مهم است.

منبع: Cinetele

جدول ۱۲۲۴

افقی:

۱- کنایه از نبودن یا اندک بودن خرید و فروش - لنگه ۲- پهلوان وسط گود زورخانه - کوه ده فرمان حضرت موسی (ع) - سوره مردم ۳- نژاد خودمان - اثری از «کافکا» - نا آرامی و نبودن امنیت ۴- پارچه مالیدنی - مخفف الی آخر - نامی دخترانه ۵- حرف گزینش - کاپیتان تیم «رم» - صدای پرواز مگس - ضمیر وزنی ۶- اطلاعات کتاب‌شناسی در آخر کتاب معمولا الفبایی - آشکار و مشهود - خداوند ۷- ظلم و ستم - بندری در مراکش، کازابلانکا ۸- فریاد تحسین - کشور آفریقایی با مرکز «جرج تاون» - سیاهرگ ۹- اثری از «هربرت جرج ولز» - غار ابلاغ رسالت ۱۰- عامل وراثت - کناره و ساحل - مواظب ۱۱- نامطبوع - بخیه درشت - صفت بهشت - صد متر مربع ۱۲- زنگ بزرگ کلیسا - دستی - جانور زیبا چشم ۱۳- سرای جغد - تند خو و بدرفتار - دژخیم ۱۴- منفرد - بالاترین نقطه - برگه ریز نمرات دانش‌آموز ۱۵- آخرین زندانی نازی بود - کتابی از «یاشار کمال» نویسنده ترک تبار

عمودی:

۱- فیلمی از داریوش مهرجویی - داستانی از «ماکسیم گورکی» نویسنده روسی ۲- این جهان موقتی - نویسنده فرانسوی آثار تخیلی علمی - اشعه مجهول ۳- اضافی - مقابل متاهل - طولانی‌ترین سوره قرآن ۴- مادر آذری - غرامت - دارو ۵- اثر پا - صحرا و دشت - کالای نودرون کارتن - سرنیزه ۶- ناپخته - قعر - اداره مرزی - خواهش نفس ۷- کاخ و شهری در فرانسه - حرکت دایره‌مانند - اتمسفر ۸- نیمه‌دیوانه - تحت، زیر - مخفف دختر ۹- مرغابی - مستبد - پایتخت قرقیزستان ۱۰- ذره باردار - ضرر - مرزبی پایان - کشتی جنگی ۱۱- نوعی نمایش - قلب - آتش سوزی - راه کوتاه ۱۲- دردورنج - سرمای شدید - نوع وکالا ۱۳- شهری در استان اردبیل - زین وبرگ اسب - وسایل ۱۴- ماشین جنگی - سیدبزرگواری که نهج‌البلاغه را جمع آوری کرد - کشور مجمع‌الجزایر با مرکز «ناسائو» ۱۵- از سمبل‌های کشور هلند که «دن کیشوت» به جنگ آنها رفت! - شهری در شهرستان دماوند

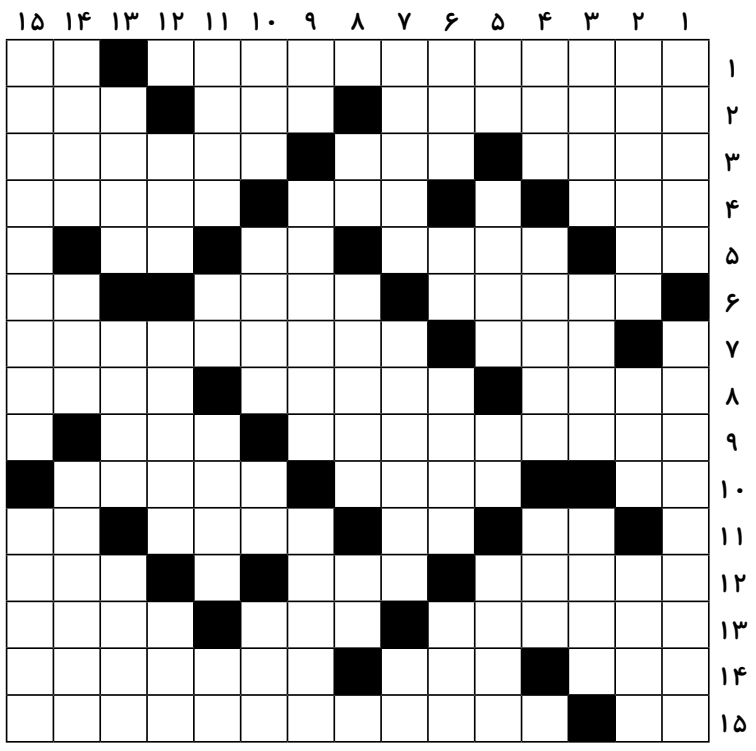

حل جدول ۱۲۲۳

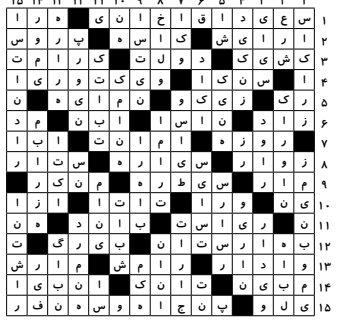

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۲۳۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۷		۲			۴			۳
۴								
۹				۳		۲	۴	
		۸	۶	۴	۷			۱
		۵				۶		
			۵	۹	۲			۸
۵	۲		۷	۱	۸			
					۵		۸	
۸		۶			۹		۵	

حل سودوکو ۲۳۱

۶	۲	۴	۱	۹	۷	۳	۸	۵
۷	۳	۵	۴	۲	۸	۶	۱	۹
۸	۱	۹	۳	۶	۵	۷	۲	۴
۳	۴	۶	۹	۸	۱	۲	۵	۷
۵	۸	۱	۶	۷	۲	۹	۴	۳
۹	۷	۲	۵	۳	۴	۸	۶	۱
۴	۹	۳	۲	۱	۶	۵	۷	۸
۲	۵	۸	۷	۴	۳	۱	۹	۶
۱	۶	۷	۸	۵	۹	۴	۳	۲